

شراب یا
شراب؟

سایپسانی

ساپسانی

شراب یا شراب؟

فهرست



مقدمه.....	۵
شراب در عهد قدیم.....	۹
اطاعت کردن از گفته‌های عیسی.....	۱۷
خمیره‌های سنگی و آب تطهیرخمیره‌های سنگی.....	۲۳
چرا ضرورتاً شراب تازه و نه شراب کهنه؟.....	۲۹
شراب نو.....	۳۳
تا انتها.....	۴۱
تا این دم نگاه داشته‌ای.....	۴۷
سخن آخر.....	۵۱

مقدمه



خواننده‌ی گرامی، هدف اصلی از نگارش این کتاب، ارائه‌ی توضیحی است در حد مقدور، در خصوص یکی از مقولات جامعه‌ی مسیحی معاصر: «آیا نوشیدن شراب امری مجاز است یا خیر؟ آیا مصرف شراب بر زندگی روحانی و عملکرد فرد مسیحی تأثیری منفی بر جا می‌گذارد یا خیر؟»

امروزه مسیحیت بر سر مسئله‌ی مصرف شراب یا پرهیز از آن، به دو جبهه تقسیم شده است.

در بین مسیحیان افرادی هستند که از نوشیدن مشروبات الکلی ابایی ندارند و برای توجیه این عمل به آن بخش از کتاب مقدس که اشاره به تبدیل آب به شراب توسط عیسی دارد، استناد کرده (ر. ک. یوحنا ۲: ۱-۱۱) و چنین می‌گویند:

«اگر عیسی از طریق انجام دادن معجزه‌ای ۳۰۰-۴۰۰ لیتر آب را به شراب تبدیل نمود (و ما می‌دانیم که عیسی هرگز کار اشتباهی انجام نمی‌دهد)، بنابراین این امر، دال بر این موضوع است که وی از مصرف شراب استقبال می‌کند، زیرا وی اولین فرصت انجام دادن معجزه را برای تبدیل آب به شراب به‌کار بُرد.»

امروزه بسیاری از مسیحیان دارای تولد تازه، با تکیه بر این تفسیر از این بخش از انجیل، به آسانی خود را به مصرف انواع مختلف مشروبات الکلی می‌سپارند، و هر از گاهی در نتیجه‌ی اسراف در این کار، به مرحله‌ی مستی نیز می‌رسند.

و یا، به عنوان نمونه برگفته‌های پولس خطاب به تیموتائوس استناد می‌کنند؛ آنجا که پولس به تیموتائوس پیشنهاد می‌کند که گهگاه و به عنوان دارو، همراه با آب اندکی هم شراب بنوشد.

«دیگر فقط آب منوش، بلکه به جهت معده‌ی خود و ناخوشی‌هایی که اغلب داری،»

اندکی نیز شراب بنوش.» (اول تیموتائوس ۵: ۲۳)

روزی با شبان^۱ آرتور سیمونیان درباره‌ی این نصیحت پولس گفتگو می‌کردیم و مایل هستم در اینجا گفته‌هایشان را نقل قول کنم (البته با کسب اجازه‌ی قبلی از ایشان). «امروزه شاهد این هستیم که عده‌ی بسیاری با تکیه بر این توصیه‌ی پولس به تیموتائوس، و با تسلیم شدن به خواهش‌های جسم خود، از مصرف مشروبات الکلی حمایت می‌کنند و بر این باوراند که حتی پولس رسول پیشنهاد نوشیدن شراب را به تیموتائوس داده است. به جای متمرکز شدن بر نصیحت پولس، می‌بایست از الگوی تیموتائوس به عنوان فرد مسیحی واقعی سرمشق بگیریم، کسی که در تصمیم خود مبنی بر پیروی عیسی و پرهیز از شراب راسخ بود، تا آن حد که پولس رسول در نامه‌اش مجبور می‌شود که او را قانع کند تا اندکی شراب به منزله‌ی دارو بنوشد.» نمی‌بایست تعالیم کتاب مقدس را با کردار خود وفق دهیم، بلکه می‌بایست کردارمان را با معیارهای کتاب مقدس وفق دهیم.

کم نیستند مسیحیانی که در قامت وکیل مدافع عیسی (چیزی که وی به آن نیاز ندارد، زیرا خود کتاب مقدس قادر به انجام دادن این کار است)، شروع می‌کنند به سازگار کردن تعالیم کتاب مقدس با دیدگاه شخصی‌شان، و چنین اظهار می‌کنند: «در این قسمت از انجیل، عیسی آب را به شراب تبدیل نمود، بلکه به آب انگور.» چنین رویکردی اغلب در مباحثات و گفتگوهای الهیاتی قابل مشاهده است؛ زمانی که افراد درباره‌ی مفهوم و تفسیر آیه‌ای از کلام خدا پاسخ قاطع و روشنی ندارند، و از روی ناچاری شروع می‌کنند به ابداع کردن پاسخ‌های جدید. به نظر من، پرسش‌های متعددی وجود دارد که ما فقط در آسمان به پاسخ آنها پی خواهیم بُرد، و زمانی که از ما سؤالی پرسیده می‌شود که جواب قطعی‌اش را نمی‌دانیم، به جای فلسفه‌بافی و نظریه‌پردازی، می‌توانیم به سادگی اقرار کنیم: «نمی‌دانم.»

سلیمان پادشاه که حکیم‌ترین فرد در جهان بود، در کتاب جامعه چنین می‌گوید: «...پس گفتم به افراط پارسا مباش، و نه به افراط حکیم، زیرا چرا خویشتر را نابود سازی؟» (جامعه ۱۶:۷)

ضرورتی ندارد که در خصوص هر مقوله‌ای، «دانای مطلق» بودن خود را به عرصه‌ی نمایش بگذاریم.

ما شخصی مانند عیسی را به عنوان الگوی کامل خود در پیش رو داریم، که می‌توانیم از او سرمشق بگیریم. زمانی که عیسی درباره‌ی زمان‌های آخر سخن

می‌گفت، شاگردانش از وی پرسیدند: «به ما بگو این وقایع کی روی خواهد داد و نشانه‌ی نزدیک شدن زمان تحقق آنها چیست؟». (مرقس ۴:۱۳)
عیسی در پاسخ به آنان نشانه‌های زمان‌های آخر را ذکر می‌کند، اما درباره‌ی روز و ساعت وقوع آنها صراحتاً می‌گوید «نمی‌دانم».

«هیچ کس آن روز و ساعت را نمی‌داند جز پدر؛ حتی فرشتگان آسمان و پسر نیز از آن آگاه نیستند.» (مرقس ۳۲:۱۳)

اگر خدای خدایان در پاسخ به پرسش‌هایی که از وی پرسیده می‌شد، با عبارت «نمی‌دانم» پاسخ می‌گفت، بنابراین ما نیز در خصوص آن دسته از مقولات کتاب مقدسی که پاسخی قاطع و روشن درباره‌شان نداریم، می‌توانیم با کنار گذاشتن غرور خود، اقرار کنیم که «نمی‌دانم».

در طی چند سال گذشته و تا به امروز، هر چه بیشتر کتاب مقدس را مطالعه می‌کنم، به همان اندازه بر تعداد «نمی‌دانم»‌هایم افزوده می‌شوند.

نمی‌دانم چرا ابراهیم با وجود این که فرد بسیار ثروتمندی بود، حاضر نشد حتی الاغی در اختیار هاجر قرار دهد و با نان و آبی اندک، او را همراه با اسماعیل روانه بیابان کرد، تا در آنجا هلاک شوند. (ر.ک. پیدایش ۲۱:۱۴-۱۶)

نمی‌دانم چرا بدن‌های بسیاری از مقدّسان که آرمیده بودند، پس از برخاستن از مردگان، همراه با عیسی به اورشلیم رفته و خود را به شمار بسیاری از مردم نمایان ساختند. (ر.ک. متی ۲۷:۵۲-۵۳)

نمی‌دانم منظور پولس از خاری در چشمش، که آن را عامل شیطان می‌نامد، چیست. نمی‌دانم، نمی‌دانم، نمی‌دانم ...

پرسش‌های بسیاری وجود دارند که وقتی مردم آنها را از من می‌پرسند، پاسخ «نمی‌دانم» را از زبانم می‌شنوند (گرچه درباره‌ی تمامی پرسش‌های آنان می‌توانم نظر و توضیح شخصی خود را -که البته مبتنی بر کتاب مقدس نیست- بازگو کنم).

قصد ندارم با نگارش این کتاب دیدگاه هیچ‌یک از خواهران یا برادرانم را مورد حمله قرار دهم، یا سبب رنجش کسی شوم. این کتاب صرفاً نمایان‌گر دیدگاه شخصی من در خصوص این مقوله است، و اگر دیدگاه من با دیدگاه شما هم‌خوانی ندارد، خواهش من است که مرا به‌خاطر هم‌نظر نبودن با خودتان، ببخشید.





شراب در عهد عتیق،
اغلب نماد برکت و امنیت بوده است.



فصل اول



شراب در عهد قدیم

«روز سوّم، در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی نیز در آنجا حضور داشت. عیسی و شاگردانش نیز به عروسی دعوت شده بودند. چون شراب کم آمد، مادر عیسی به او گفت: «دیگر شراب ندارند!» عیسی به او گفت: «بانو، مرا با این امر چه کار است؟ ساعت من هنوز فرا نرسیده.» مادرش خدمتکاران را گفت: «هر چه به شما گوید، بکنید.» در آنجا شش خمرهٔ سنگی بود که برای آداب تطهیر یهودیان به کار می‌رفت، و هر کدام گنجایش دو یا سه پیمانه داشت. عیسی خدمتکاران را گفت: «این خمره‌ها را از آب پر کنید.» پس آنها را لبالب پر کردند. سپس به ایشان گفت: «حال اندکی از آن برگزید و نزد رئیس مجلس ببرید.» آنها چنین کردند. رئیس مجلس نمی‌دانست آن را از کجا آورده‌اند، ولی خدمتکارانی که آب را برگرفته بودند، می‌دانستند. او چون آب را که شراب شده بود، چشید، داماد را فراخواند، و به او گفت: «همه نخست با شراب ناب پذیرایی می‌کنند و چون میهمانان مست شدند، شراب ارزانتر را می‌آورند؛ اما تو شراب ناب را تا این دم نگاه داشته‌ای!» بدین‌سان عیسی نخستین آیت خود را در قانای جلیل به‌ظهور آورد و جلال خویش را آشکار ساخت و شاگردانش به او ایمان آوردند. سپس با مادر و برادران و شاگردان خود به کفرناحوم رفت، و روزهای چند در آنجا ماندند.» (یوحنا ۲: ۱-۱۱)

محسوب می‌شود. در خلال جشن عروسی شراب تمام شد، اما عیسی معجزه‌ای صورت داد و آب را به شرابی تازه و فراوان تبدیل نمود. به غیر از تفسیرهای متفاوتی که از صحنه‌ی وقوع این معجزه مطرح شده است، این داستان تبدیل به موضوع مباحثات و مجادلات متعددی گشته است. برخی تأکید دارند که عیسی آب را به آب انگور تبدیل

کرده است و نه به شراب. برخی نیز می‌گویند که عیسی به وسیله‌ی این معجزه، ۳۰۰-۴۰۰ لیتر شراب برای مهمانان از پیش مست شده‌ی آن جشن عروسی فراهم کرده است. (و این به آن معناست که وی با این کارش، در عمل بدمستی را تشویق کرد.) پیش از آن‌که دست به تجزیه و تحلیل این داستان بزنیم، قسمت‌هایی را از کلام خدا که درباره‌ی شراب هستند با یکدیگر بررسی کرده و پاسخ این پرسش را بیابیم که «شراب در عهد عتیق نماد چه چیزی بوده است؟».

«خدا تو را از شب‌نم آسمان و فربه‌ی زمین عطا فرماید و از فراوانی غله و شراب تازه» (پیدایش ۲۷:۲۸)

اسحاق بر زندگی یعقوب فراوانی غله و شراب را به عنوان برکت اعلام کرد. سلیمان وفور غله و شراب را به منزله‌ی پاداش پیروی و حرمت گذاشتن خداوند ذکر می‌کند.

«خداوند را با دارایی خود حرمت دار و با نوبرهای همه‌ی محصول خویش؛
آنگاه انبارهایت به وفور نعمت پر خواهد شد و چرخش‌هایت از شراب تازه
لبریز خواهد گشت.» (امثال ۳:۹ و ۱۰)

حتی مَلِکِیَصِدِّق در هنگام استقبال از ابراهیم، نان و شراب در دستان خود داشت.

«آنگاه مَلِکِیَصِدِّق، پادشاه سالیم، نان و شراب بیرون آورد. او کاهن خدای متعال بود، و ابرام را برکت داد و گفت: "مبارک باد ابرام از جانب خدای متعال، مالک آسمان و زمین."» (پیدایش ۱۸:۱۴-۱۹)

زمانی که خداوند قوم اسرائیل را برکت می‌داد، چنین فرمود:

«خداوند به دست راست خویش سوگند خورده است و به بازوی نیرومندش، که:
"دیگر هیچ‌گاه غله‌ی شما را خوراک دشمنانتان نخواهم ساخت، و بیگانگان دیگر شراب
تازه‌ی شما را نخواهند نوشید، شرابی را که برایش محنت کشیده‌اید. بلکه آنان که غله
را می‌روند از آن خواهند خورد، و خداوند را ستایش خواهند کرد؛ و آنان که انگورها
را گرد می‌آورند، در صحن‌های قدس من از آن خواهند نوشید.» (اشعیا ۶۲:۸-۹)

در این قسمت، خداوند حتی از تعبیر «سوگند» استفاده می‌کند؛ و این به آن معناست که او قصد دارد به قوم یهود، که دائماً دچار شک و تردید بود، بفهماند که او می‌خواهد همان شرابی را که خود برایش زحمت کشیده‌اند، مایه‌ی برکت برایشان سازد، تا آن را در صحن‌های او بنوشند، فقط به آن شرط که از او اطاعت نمایند.

در صورت عدم اطاعت نیز، موارد زیر در انتظار قوم یهود بود:

«تاکستان‌ها غرس خواهید کرد و برای آنها زحمت خواهید کشید، ولی شراب آنها را نخواهید نوشید و انگورشان را نخواهید چید، زیرا کرم آن را خواهد خورد.» (تثنیه ۳۹:۲۸)

«بنابراین، چون شما بینوایان را پایمال می‌کنید و از آنها مالیات گندم می‌ستانید، هرچند خانه‌ها از سنگ‌های تراشیده بسازید، در آنها ساکن نخواهید شد؛ و هرچند تاکستان‌های دلیپسند غرس کنید، از شراب آنها نخواهید نوشید.» (عاموس ۱۱:۵)

«خواهی کاشت، اما درو نخواهی کرد؛ زیتون خواهی افشرد، اما خود را به روغن تدهین نخواهی نمود؛ شراب تازه فراهم خواهی آورد، اما از آن نخواهی نوشید.» (میکاه ۱۵:۶)

به بیان دیگر، «کار خواهی کرد، و متحمل رنج و مشقت خواهی شد، اما برکت خود - که همان شراب است - را نخواهی چشید.» و سرانجام، خداوند در وعده‌ی خود درباره‌ی بازگشت نهایی و در امنیت ساکن شدن قوم یهود، چنین می‌فرماید:

«من سعادت را به قوم خود اسرائیل باز خواهم گردانید، و آنان شهرهای ویران را بنا کرده، در آنها ساکن خواهند گردید؛ تاکستان‌ها غرس کرده، از شراب آنها خواهند نوشید، و باغ‌ها پدید آورده، از میوه آنها خواهند خورد.» و یهوه خدای شما می‌گوید: «من ایشان را در سرزمینشان غرس خواهم کرد، و دیگر هرگز از سرزمینی که بدیشان داده‌ام، کنده نخواهند شد.» (عاموس ۹:۱۴-۱۵)

آیاتی از این دست در کلام خدا، مرا به سوی این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که شراب در عهد عتیق، اغلب نماد برکت و امنیت بوده است. به این تعبیر که معیار سنجش ثروت و دارایی یک فرد، تعداد گوسفندها و گاوهایش، و بزرگی انبار غله و میزان شراب او بوده است. مشک‌های خالی شراب).

آنگاه که خداوند سخن می‌گوید، می‌بایست از آن اطاعت نمود، و نباید به مخالفت با آن برخاست یا جسورانه دیدگاه شخصی خود را مطرح کرد، کاری که اغلب پطرس آن را انجام می‌داد (ر. ک. متی ۲۶:۳۵، متی ۲۲:۱۶).

در نگاه اول، درخواست او بسیار غیرعادی به نظر می‌رسید. اگر عیسی قصد داشت توسط آب معجزه‌ای صورت دهد (آب را به شراب تبدیل کند)، او می‌توانست مشک‌های خالی خدمتکاران را به کار ببرد. در داخل مشک‌ها-هرچقدر هم که خدمتکاران آنها را خالی کرده بودند-هنوز مقدار کمی شراب وجود داشت (دست‌کم به اندازه‌ی چند قطره). چنین امکانی نیز وجود داشت که خدمتکاران مشک‌ها را از آب پُر می‌کردند و سپس در نتیجه‌ی معجزه‌ای، قطرات شراب باقی‌مانده در مشک‌ها، آب اضافه شده را به شراب تبدیل می‌کرد. یا عیسی می‌توانست دعا کند تا آن قطرات، تکثیر یابند و مشک‌ها بدون پُر کردن آب، از شراب پُر شوند.

اگر چنین اتفاقی رخ می‌داد، این معجزه در زمره‌ی «معجزات تکثیری» قرار می‌گرفت؛ دسته‌ای از انواع معجزاتی که در کتاب مقدس نمونه‌های فراوانی از آن وجود دارد. چند نمونه از این معجزات را در عهد عتیق با یکدیگر بررسی نماییم. ایلیای نبی در ایام قحطی نزد بیوه‌زنی آمد و معجزه‌ای صورت داد، که در اثر آن معجزه، تا انتهای ایام قحطی مقدار اندک روغن و آرد آن بیوه‌زن دائماً در حال افزایش بود.

«زیرا بیهوه خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: "ظرف آرد تمام نخواهد شد و کوزه‌ی روغن خالی نخواهد گشت، تا آن روز که خداوند بر زمین باران بباراند." پس زن رفت و موافق آنچه ایلیا گفته بود، به جا آورد. ایلیا، آن زن و اهل خانه‌اش روزهای بسیار خوردند، و مطابق کلام خداوند که به واسطه‌ی ایلیا گفته بود، ظرف آرد تمام نشد و کوزه‌ی روغن خالی نگشت.» (اول پادشاهان ۱۷: ۱۴-۱۶)

خداوند توسط الیشع نیز «معجزه‌ی تکثیری» انجام داد.

«روزی زن یکی از گروه انبیا التماس‌کنان به الیشع گفت: «خدمتگزار تو، شوهرم، درگذشته است. همان‌گونه که می‌دانی، او ترس خداوند را بر دل داشت. اما اکنون طلبکار وی می‌آید تا دو پسر مرا به بردگی ببرد.» الیشع پاسخ داد: «برای تو چه کنم؟ بگو در خانه چه داری؟» زن گفت: «کنیزت را در خانه چیزی جز ظرفی روغن نیست.» الیشع گفت: «به اطراف خانه برو و از تمامی همسایگان ظروف خالی بستان، و بسیار هم بستان! آنگاه به خانه‌ی خویش برو و در را پشت سر خود و پسرانت ببند و همه‌ی آن ظرف‌ها را از روغن پر کن، و هر ظرفی را که پر شد، کناری بگذار.» پس آن زن از نزد او رفت و در را پشت سر خود و پسرانش بست. آنان ظرف‌ها را نزد او

می‌آوردند و او همه را پر می‌کرد. چون همه‌ی ظرف‌ها پر شد، به پسرش گفت: «ظرفی دیگر نزدم بیاور.» اما او پاسخ داد: «دیگر ظرفی باقی نیست.» آنگاه روغن بازایستاد.» (دوم پادشاهان ۴: ۱-۶)

تمام دارایی آن زن فقط آن یک ظرف روغن بود. ظرفی که نو نبود، و قبلاً از آن برای نگهداری روغن استفاده شده بود. این به آن معناست که هر اندازه نیز که آن ظرف خالی می‌بود، در عین حال هنوز مقدار بسیار اندکی روغن بر روی دیواره‌های داخلی آن موجود بود (همانند قطرات شراب در داخل مشک‌ها). و نبی از همان قطرات برای انجام دادن «معجزه‌ی تکثیری» بهره گرفت. حال، نمونه‌ای از تکثیر یافتن نان را با هم بررسی کنیم.

«روزی مردی از بعل شلیشه آمده، بیست قرص نان جو از نوپر محصول خود، با خوشه‌های گندم تازه در خورجینش برای مرد خدا آورد. الیشع گفت: «اینها را به مردم بده تا بخورند.» خادمش پرسید: «چگونه می‌توانم اینها را جلوی یکصد مرد بگذارم؟» ولی الیشع پاسخ داد: «به مردم بده تا بخورند، زیرا خداوند چنین می‌گوید: "خواهند خورد و زیاد نیز خواهد آمد."» پس پیش ایشان گذاشت و خوردند، و طبق کلام خداوند، پاره‌ای نیز زیاد آمد.» (دوم پادشاهان ۴: ۴۲-۴۴).

«معجزات تکثیری» از این دست در خدمات آتی عیسی نیز به چشم می‌خورند. پنج نان و دو ماهی به آن حد تکثیر یافت که هزاران نفر خورده، سیر شدند و مقدار فراوانی نیز زیاد آمد.

«شاگردان گفتند: «در اینجا چیزی جز پنج نان و دو ماهی نداریم.» عیسی گفت: «آنها را نزد من بیاورید.» سپس به مردم فرمود تا بر سبزه‌ها بنشینند. آنگاه پنج نان و دو ماهی را برگرفت و به آسمان نگریست و شکر به جای آورد. سپس نان‌ها را پاره کرد و به شاگردان داد و آنان نیز به مردم دادند. همه خوردند و سیر شدند و از خرده‌های باقی‌مانده، دوازده سبد پر گرد آوردند. شمار خورندگان، به جز زنان و کودکان، پنج هزار مرد بود.» (متی ۱۴: ۱۷-۲۱)

«آنگاه هفت نان و چند ماهی را گرفت و پس از شکرگزاری، آنها را پاره کرده، به شاگردان خود داد و ایشان نیز به آن جماعت دادند. همه خوردند و سیر شدند و شاگردان هفت زنبیل پر از خرده‌های باقی‌مانده گرد آوردند. شمار کسانی که خوراک خوردند، غیر از زنان و کودکان، چهار هزار تن بود.» (متی ۳۶: ۱۵-۳۸)

در این نمونه نیز نان و ماهی به مقدار فراوانی تکثیر یافت، به حدی که جماعتی بزرگ از آن خورده و سیر گشتند. عیسی دقیقاً همان ماهی‌ای را تکثیر داد که شاگردان به او داده بودند، و نه کمی قزل‌آلا، کمی ماهی خاویاری، یا کمی ماهی سفید و غیره. در هر کدام از معجزات مذکور، دقیقاً همان آرد، نان، روغن و ماهی تکثیر یافت. با بررسی این داستان‌ها، ناخودآگاه این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که چرا عیسی در معجزه‌ی تبدیل آب به شراب از شیوه‌ی «معجزه‌ی تکثیری» - که شیوه‌ای آشنا و به‌کار رفته در دوران عهد عتیق بود - بهره نگرفت. شیوه‌ای که او بعدها، بارها از آن استفاده نمود. چرا عیسی از قطرات باقی‌مانده‌ی شراب و مشک‌ها برای عملی کردن «معجزه‌ی تکثیری» استفاده نکرد، بلکه او از آب و خمره‌های سنگی برای انجام دادن «معجزه‌ی تبدیلی» (تبدیل آب به شراب) بهره گرفت. برای دستیابی به پاسخ این پرسش، ابتدا نگاهی بیندازیم به موارد استفاده‌ی خمره‌های سنگی در آن روزگار. در این بخش از متن کتاب مقدس واژه‌ی «شراب»، واژه‌ای تکراری و محوری





نباید خود را با این افکار گرانبار سازیم که
چه بکنیم؟ چگونه بکنیم؟، همان کاری را
انجام دهید که عیسی می فرماید.



فصل دوم



اطاعت کردن از گفته‌های عیسی

حال، بازگردیم به داستان جشن عروسی عهد جدیدی خودمان (با در ذهن نگاه داشتن نتیجه‌گیری فصل پیشین، مبنی بر این که شراب در عهد عتیق اغلب نماد برکت و امنیت بوده است).

«روز سوّم، در قانای جلیل عروسی بود و مادر عیسی نیز در آنجا حضور داشت. عیسی و شاگردانش نیز به عروسی دعوت شده بودند. چون شراب کم آمد، مادر عیسی به او گفت: «دیگر شراب ندارند!» عیسی به او گفت: «بانو، مرا با این امر چه کار است؟ ساعت من هنوز فرا نرسیده.» مادرش خدمتکاران را گفت: «هر چه به شما گوید، بکنید.» (یوحنا ۲: ۱-۵)

در قانای جلیل جشن عروسی‌ای در حال برگزاری بود که مریم، عیسی و شاگردانش نیز به آن دعوت شده بودند. در شادترین لحظه‌ی جشن، هنگامی که همه‌ی حاضران از شراب مست شده بودند، و جشن هنوز ادامه داشت، ناگهان خدمتکاران متوجه شدند که شراب تمام شده است؛ و طبق آنچه در فصل پیش دیدیم، در حقیقت این نماد امنیت و برکت داماد بود که تمام شده بود.

در این شرایط پرتنش، در ذهن مریم فکری خطور می‌کند؛ به عیسی نزدیک شده و از او خواهش می‌کند تا به داماد کمک کند، تا مبادا داماد در برابر مهمانان شرمنده و خجالت‌زده شود. پس از دریافت موافقت عیسی، مریم چیزی به خدمتکاران گفت که روح‌القدس آن را هر روزه به ما می‌گوید: «هر چه به شما گوید، بکنید.» (یوحنا ۲: ۵)

مریم صرفاً به آنان توصیه می‌کند که از عیسی اطاعت کنند.

خواننده‌ی گرامی، عیسی همان «کلام خدا»ست (ر. ک. یوحنا ۱: ۱)، و روح‌القدس همچون مریم هر روز به ما می‌گوید: «آنچه عیسی (کلام خدا) می‌گوید، انجام دهید.»

نباید خود را با این افکار گرانبار سازیم که چه بکنیم؟ چگونه بکنیم؟ همان کاری را انجام دهید که عیسی می‌فرماید. مهم نیست که آیا گفته‌ی عیسی از دید شما سخنی بامفهوم است یا نه؛ آیا با تجربیات شما در زندگی هم‌خوانی دارد یا نه؟ آیا با محتوای کتاب‌هایی که خوانده‌اید سازگاری دارد یا نه؟ آنچه عیسی می‌فرماید را انجام دهید. در عمل، در بیشتر مواقع عیسی چیزهایی می‌گوید که با دیدگاه‌ها، طرز تفکر، ادراک و تجربه‌ی ما بیگانه‌اند و از دید ما غیرعادی و عجیب و غریب محسوب می‌شوند. انتظار ما همیشه این است که گفته‌ی خداوند، شفاف و کاملاً قابل‌فهم باشد، اما او می‌فرماید: «پس جدالی سخت در میان یهودیان درگرفت که "این مرد چگونه می‌تواند بدن خود را به ما بدهد تا بخوریم؟" عیسی به ایشان گفت: "آمین، آمین، به شما می‌گویم، که تا بدن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید. هر که بدن مرا بخورد و خون مرا بنوشد، حیات جاویدان دارد، و من در روز بازپسین او را برخوادم خیزانید. زیرا بدن من خوردنی حقیقی و خون من آشامیدنی حقیقی است."»
یوحنا ۶:۵۲-۵۵

می‌توان چهره‌ی یهودیان را در هنگام شنیدن این سخنان از زبان عیسی متصور شد. آنان در طول عمر خود، هرگز حتی گوشت حیوانات ممنوع را نخورده بودند، و حال عیسی آنان را به خوردن بدن خود فرامی‌خواند. شاید حالت چهره‌ی خدمتکاران نیز در هنگام شنیدن سخنان عیسی - که فرمود: «این خمره‌ها را از آب پُر کنید» (یوحنا ۲:۷) - همانند حالت چهره‌ی یهودیان بوده است. خدمتکاران به شراب احتیاج داشتند و نه به آب (و نه به آب انگور، طبق نظر برخی‌ها). اما، عیسی به آنان فرمود که آب آورده و دومین کار غیرعادی را نیز حتی انجام دهند، یعنی آب را در خمره‌های سنگی بریزند (و نه در مشک‌های خالی شراب). آنگاه که خداوند سخن می‌گوید، می‌بایست از آن اطاعت نمود، و نباید به مخالفت با آن برخاست یا جسورانه دیدگاه شخصی خود را مطرح کرد، کاری که اغلب پطرس آن را انجام می‌داد (ر. ک. متی ۲۶:۳۵، متی ۱۶:۲۲).

در نگاه اول، درخواست او بسیار غیرعادی به نظر می‌رسید. اگر عیسی قصد داشت توسط آب معجزه‌ای صورت دهد (آب را به شراب تبدیل کند)، او می‌توانست مشک‌های خالی خدمتکاران را به کار ببرد. در داخل مشک‌ها-هرچقدر هم که خدمتکاران آنها را خالی کرده بودند-هنوز مقدار کمی شراب وجود داشت (دست‌کم به اندازه‌ی چند قطره). چنین امکانی نیز وجود داشت که خدمتکاران مشک‌ها را از آب پُر می‌کردند و سپس در نتیجه‌ی معجزه‌ای، قطرات شراب باقی‌مانده در مشک‌ها، آب اضافه شده را به شراب تبدیل می‌کرد. یا عیسی

می‌توانست دعا کند تا آن قطرات، تکثیر یابند و مشک‌ها بدون پُر کردن آب، از شراب پُر شوند.

اگر چنین اتفاقی رخ می‌داد، این معجزه در زمهری «معجزات تکثیری» قرار می‌گرفت؛ دسته‌ای از انواع معجزاتی که در کتاب مقدس نمونه‌های فراوانی از آن وجود دارد.

چند نمونه از این معجزات را در عهد عتیق با یکدیگر بررسی نماییم. ایلیای نبی در ایام قحطی نزد بیوه‌زنی آمد و معجزه‌ای صورت داد، که در اثر آن معجزه، تا انتهای ایام قحطی مقدار اندک روغن و آرد آن بیوه‌زن دائماً در حال افزایش بود.

«زیرا بیوه خدای اسرائیل چنین می‌فرماید: "طرف آرد تمام خواهد شد و کوزه‌ی روغن خالی خواهد گشت، تا آن روز که خداوند بر زمین باران بباراند." پس زن رفت و موافق آنچه ایلیا گفته بود، به جا آورد. ایلیا، آن زن و اهل خانه‌اش روزهای بسیار خوردند، و مطابق کلام خداوند که به واسطه‌ی ایلیا گفته بود، ظرف آرد تمام نشد و کوزه‌ی روغن خالی نگشت.» (اول پادشاهان ۱۷: ۱۴-۱۶)

خداوند توسط الیشع نیز «معجزه‌ی تکثیری» انجام داد. «روزی زن یکی از گروه انبیا التماس‌کنان به الیشع گفت: «خدمتگزار تو، شوهرم، درگذشته است. همان‌گونه که می‌دانی، او ترس خداوند را بر دل داشت. اما اکنون طلبکار وی می‌آید تا دو پسر مرا به بردگی ببرد.» الیشع پاسخ داد: «برای تو چه کنم؟ بگو در خانه چه داری؟» زن گفت: «کنیزت را در خانه چیزی جز ظرفی روغن نیست.» الیشع گفت: «به اطراف خانه برو و از تمامی همسایگان ظروف خالی بستان، و بسیار هم بستان! آنگاه به خانه‌ی خویش برو و در را پشت سر خود و پسرانت ببند و همه‌ی آن ظرف‌ها را از روغن پر کن، و هر ظرفی را که پر شد، کناری بگذار.» پس آن زن از نزد او رفت و در را پشت سر خود و پسرانش بست. آنان ظرف‌ها را نزد او می‌آوردند و او همه را پر می‌کرد. چون همه‌ی ظرف‌ها پر شد، به پسرش گفت: «ظرفی دیگر نزدم بیاور.» اما او پاسخ داد: «دیگر ظرفی باقی نیست.» آنگاه روغن بازایستاد.» (دوم پادشاهان ۴: ۱-۶)

تمام دارایی آن زن فقط آن یک ظرف روغن بود. ظرفی که نو نبود، و قبلاً از آن برای نگهداری روغن استفاده شده بود. این به آن معناست که هر اندازه نیز که آن ظرف خالی می‌بود، در عین حال هنوز مقدار بسیار اندکی روغن بر روی دیواره‌های داخلی آن موجود بود (همانند قطرات شراب در داخل مشک‌ها). و نبی از همان قطرات

برای انجام دادن «معجزه‌ی تکثیری» بهره گرفت. حال، نمونه‌ای از تکثیر یافتن نان را با هم بررسی کنیم.

«روزی مردی از بعل‌شلیشه آمده، بیست قرص نان جو از نوبر محصول خود، با خوشه‌های گندم تازه در خورجینش برای مرد خدا آورد. الیشع گفت: «اینها را به مردم بده تا بخورند.» خادمش پرسید: «چگونه می‌توانم اینها را جلوی یکصد مرد بگذارم؟» ولی الیشع پاسخ داد: «به مردم بده تا بخورند، زیرا خداوند چنین می‌گوید: «خواهند خورد و زیاد نیز خواهد آمد.»» پس پیش ایشان گذاشت و خوردند، و طبق کلام خداوند، پاره‌ای نیز زیاد آمد.» (دوم پادشاهان ۴: ۴۲-۴۴).

«معجزات تکثیری» از این دست در خدمات آتی عیسی نیز به چشم می‌خورند. پنج نان و دو ماهی به آن حد تکثیر یافت که هزاران نفر خورده، سیر شدند و مقدار فراوانی نیز زیاد آمد.

«شاگردان گفتند: «در اینجا چیزی جز پنج نان و دو ماهی نداریم.» عیسی گفت: «آنها را نزد من بیاورید.» سپس به مردم فرمود تا بر سبزه‌ها بنشینند. آنگاه پنج نان و دو ماهی را برگرفت و به آسمان نگرست و شکر بهجای آورد. سپس نان‌ها را پاره کرد و به شاگردان داد و آنان نیز به مردم دادند. همه خوردند و سیر شدند و از خرده‌های باقیمانده، دوازده سبد پر گرد آوردند. شمار خورندگان، بهجز زنان و کودکان، پنج هزار مرد بود.» (متی ۱۷: ۱۴-۲۱)

«آنگاه هفت نان و چند ماهی را گرفت و پس از شکرگزاری، آنها را پاره کرده، به شاگردان خود داد و ایشان نیز به آن جماعت دادند. همه خوردند و سیر شدند و شاگردان هفت زنبیل پر از خرده‌های باقیمانده گرد آوردند. شمار کسانی که خوراک خوردند، غیر از زنان و کودکان، چهار هزار تن بود.» (متی ۱۵: ۳۶-۳۸)

در این نمونه نیز نان و ماهی به مقدار فراوانی تکثیر یافت، به حدی که جماعتی بزرگ از آن خورده و سیر گشتند. عیسی دقیقاً همان ماهی‌ای را تکثیر داد که شاگردان به او داده بودند، و نه کمی قزل‌آلا، کمی ماهی خاویاری، یا کمی ماهی سفید و غیره. در هر کدام از معجزات مذکور، دقیقاً همان آرد، نان، روغن و ماهی تکثیر یافت.

با بررسی این داستان‌ها، ناخودآگاه این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که چرا عیسی در معجزه‌ی تبدیل آب به شراب از شیوه‌ی «معجزه‌ی تکثیری» -که شیوه‌ای آشنا و به‌کار رفته در دوران عهد عتیق بود- بهره نگرفت.

شیوه‌ای که او بعدها، بارها از آن استفاده نمود. چرا عیسی از قطرات باقی‌مانده‌ی شراب و مشک‌ها برای عملی کردن «معجزه‌ی تکثیری» استفاده نکرد، بلکه او از آب

و خمره‌های سنگی برای انجام دادن «معجزه‌ی تبدیلی» (تبدیل آب به شراب) بهره گرفت.

برای دستیابی به پاسخ این پرسش، ابتدا نگاهی بیندازیم به موارد استفاده‌ی خمره‌های سنگی در آن روزگار.





شرابی که در درون خمره‌های سنگی بود،
همان «آب پاک» بود، یعنی خون گرانبهای
مسیح، که عیسی آن را به این دنیای مست
و گناهکار تقدیم نمود.





خمره‌های سنگی و آب تطهیر خمره‌های سنگی

خمره‌های سنگی به چه منظوری آنجا بودند؟
«در آنجا شش خمره‌ی سنگی بود که برای آداب تطهیر یهودیان به کار می‌رفت، و هر کدام گنجایش دو یا سه کیل داشت.» (ر. ک. یوحنا ۶:۲)
خمره‌های سنگی، هر کدام به گنجایش ۵۰ الی ۶۰ لیتر بودند، که برای ریختن آب مخصوص شستشو در داخل آنها، در خانه‌ی داماد در نظر گرفته شده بودند.
«فریسیان به همراه برخی از علمای دین که از اورشلیم آمده بودند، نزد عیسی گرد آمدند و دیدند برخی از شاگردان او با دست‌های نجس، یعنی ناشسته، غذا می‌خورند. فریسیان و نیز تمامی یهودیان، به سنت مشایخ خود پایبندند و تا دست‌های خود را طبق آداب تطهیر نشویند، خوراک نمی‌خورند. چون از بازار می‌آیند، تا شستشو نکنند چیزی نمی‌خورند. و بسیار سنن دیگر را نیز نگاه می‌دارند، همچون شستن پیاله‌ها، دیگ‌ها و ظروف مسی. پس فریسیان و علمای دین از عیسی پرسیدند: «چرا شاگردان تو طبق سنت مشایخ رفتار نمی‌کنند، و با دست‌های نجس غذا می‌خورند؟» (مرقس ۷:۱-۵)
یهودیان در خانه‌ی خود ظروف ویژه‌ی پُر از آب نگاه می‌داشتند، تا هر بار که از بیرون وارد خانه می‌شدند، با آب دست‌های خود را بشویند. به بیان دیگر، خمره‌های سنگی برای «آب تطهیر» پیش‌بینی شده بود.
به‌منظور درک هر چه عمیق‌تر آنچه در جریان جشن عروسی رخ داد، با هم مفهوم «آب تطهیر» را بررسی نماییم.

آب تطهیر

«آب تطهیر» واقعی در عهد عتیق توصیف شده است؛ آبی که یهودیان را از ناپاکی و نجاست جسمانی - که ناشی از گناهان بود - پاک می‌کرد.

«خداوند به موسی و هارون گفت: «این است فریضه‌ای که خداوند در شریعت خود بدان امر فرموده است: بنی‌اسرائیل را بگویید گوساله‌ی ماده‌ی سرخ و بی‌عیبی که هرگز زیر یوغ نرفته باشد نزد شما بیاورند. آن را به العازار کاهن بدهید تا بیرون از اردوگاه برده شده، در حضور او ذبح شود. آنگاه العازار کاهن به انگشت خویش از خون آن برگیرد، و آن را هفت بار به سمت جلوی خیمه‌ی ملاقات بپاشد. و گوساله در برابر چشمان وی سوزانده شود؛ پوست و گوشت و خون با فضولات آن سوزانده شود. و کاهن چوب سرو با زوفا و پارچه‌ی قرمز گرفته، آنها را در شعله‌ی گوساله بیفکند. سپس کاهن جامه‌ی خود را بشوید و بدنش را به آب غسل دهد. پس از آن می‌تواند به اردوگاه داخل شود، ولی تا شامگاه نجس باشد. مردی که گوساله را سوزانده است نیز جامه‌ی خود را به آب بشوید و بدن خود را به آب غسل دهد، و او نیز تا شامگاه نجس باشد. آنگاه شخصی طاهر، خاکستر گوساله را جمع کند و آن را بیرون از اردوگاه در جای طاهر قرار دهد. و آن به جهت جماعت بنی‌اسرائیل، برای آب تطهیر نگاه داشته شود. این برای طهارت از گناه است.» (اعداد ۱۹:۱-۹)

خداوند به موسی فرمان داد تا آبی با ترکیبی خاص تهیه کند، آبی که قادر به تطهیر یهودیان از ناپاکی فیزیکی خواهد بود. آن آب «آب تطهیر» خوانده می‌شد و از نقش بسیار قابل ملاحظه‌ای در پرستش قوم یهود برخوردار بود.

«برای شخص نجس، قدری از خاکستر قربانی گناه که سوخته شده است بگیرند و در ظرفی بر آن آب روان بریزند. آنگاه شخصی طاهر زوفا بگیرد و در آن آب فرو برد، و بر خیمه و همه‌ی اسباب و کسانی که در آن بوده‌اند، بپاشد، و نیز بر هر کسی که استخوان یا شخص کشته شده یا مُرده به مرگ طبیعی یا قبر را لمس کرده باشد. پس شخص طاهر در روز سوم و روز هفتم از آن بر شخص نجس بپاشد. بدین‌سان در روز هفتم او را تطهیر کند، و او جامه‌ی خود را شسته، به آب غسل کند، و شامگاهان طاهر خواهد بود.» (اعداد ۱۹:۱۷-۱۹)

با توجه به آیاتی که از فصل نوزدهم کتاب اعداد بررسی کردیم، می‌توان مشاهده نمود که مهم‌ترین جزء «آب تطهیر»، گوساله‌ی ماده‌ی سرخ بوده است.

گوساله‌ی ماده‌ی سرخ

یهودیان برای تهیه‌ی «آب تطهیر» می‌بایست یک گوساله‌ی ماده‌ی سرخ بی‌عیب و سالم را انتخاب کرده و بیرون از اردوگاه ذبح می‌کردند. موارد بسیاری در عهد عتیق به چشم می‌خورد که خداوند فرمان می‌دهد تا با گناهکاران به همین روش رفتار شود، به این تعبیر که آنان را به بیرون از اردوگاه برده و به قتل برسانند.

«خداوند به موسی گفت: "این مرد قطعاً باید کشته شود؛ تمامی جماعت او را بیرون از اردوگاه به سنگ‌ها سنگسار کنند."» (اعداد ۱۵:۳۵)

«آنگاه یوشع و تمامی اسرائیل با وی، عخان پسر زراح را با آن نقره، ردا، و شمش طلا، و پسران و دخترانش، و گاو، الاغان، و گوسفندان، و خیمه‌اش، و تمامی دارایی‌اش گرفته، به وادی عخور بردند. یوشع گفت: «چرا این مصیبت را بر ما وارد آوردی؟ پس امروز خداوند تو را به مصیبت گرفتار می‌سازد.» آنگاه تمامی اسرائیل او را سنگسار کردند؛ آنها ایشان را به آتش سوزاندند و سنگ‌ها بر ایشان افکندند» (یوشع ۷:۲۴-۲۵)

گوساله‌ی ماده‌ی سرخ در حقیقت نماد قربانی [بی‌عیب و پاک] مسیح بود، که بیرون از اردوگاه [اورشلیم] ذبح شد.

عیسی در حالی که بدون گناه و بی‌عیب بود، گناهان ما را بر خود گرفت و به بیرون از اردوگاه -جلجتا- رفت، تا مصلوب گردد.

شیطان چند بار تلاش کرد تا زودتر از زمان مقرر، عیسی را از اردوگاه خارج کرده و مجازات مرگ را عملی سازد، تا بدین وسیله مانع گردد تا عیسی تمام نبوت‌های مکتوب درباره‌ی خودش را محقق سازد.

«آنگاه همه‌ی کسانی که در کنیسه بودند، از شنیدن این سخنان برآشفتنند و برخاسته، او را از شهر بیرون کشیدند و بر لبه‌ی کوهی که شهر بر آن بنا شده بود، بردند تا از آنجا به زیرش افکنند. اما او از میانشان گذشت و رفت.» (لوقا ۲۸:۳۰-۳۹؛ همچنین ر. ک. یوحنا ۸:۵۹؛ ۱۰:۳۹)

اما عیسی تمام آن مسیری که برایش مقرر بود را پشت سر گذاشته و فقط در زمانی که پدر مشخص کرده بود، داوطلبانه به جهت مصلوب شدن به بیرون از اردوگاه رفت.

«پدر، مرا از این رو دوست می‌دارد که من جان خود را می‌نهم تا آن را بازستانم. هیچ‌کس آن را از من نمی‌گیرد، بلکه من به میل خود آن را می‌دهم. اختیار دارم آن را بدهم و اختیار دارم آن را بازستانم. این حکم را از پدر خود یافته‌ام.» (یوحنا ۱۰:۱۷-۱۸)

بدین ترتیب می‌توان گفت که قربانی کردن گوساله‌ی ماده‌ی سرخ، الگو یا پیش‌نمونه‌ی قربانی مسیح در آینده محسوب می‌گردد. نویسنده‌ی رساله‌ی عبرانیان با مقایسه‌ی خون مسیح و خون گوساله‌ی ماده‌ی سرخ، چنین می‌نویسد:

«اما چون مسیح در مقام کاهن اعظم آن امور نیکو ظاهر گشت که هم‌اکنون واقع شده‌اند، به خیمه‌ای بزرگ‌تر و کامل‌تر داخل شد که به دست انسان ساخته نشده است و به دیگر سخن، به این خلقت تعلق ندارد. و به خون بزها و گوساله‌ها داخل نشد، بلکه یک بار برای همیشه به خون خود به قدس‌الاقداص داخل شد و رهایی ابدی را حاصل کرد. زیرا اگر خون بزها و گاوها و پاشیدن خاکستر گوساله بر آنان که به لحاظ آیینی ناپاکند، ایشان را تقدیس می‌کند تا به ظاهر پاک باشند، چقدر بیشتر، خون مسیح که به واسطه‌ی آن روح جاودانی، خویشتن را بی‌عیب به خدا تقدیم کرد، وجدان ما را از اعمال منتهی به مرگ پاک خواهد ساخت تا بتوانیم خدای زنده را خدمت کنیم!» (عبرانیان ۹:۱۱-۱۴)

خون گوساله‌ی ماده موقتاً قادر به تقدیس کردن آنانی بود که به لحاظ آیینی ناپاک بودند، در صورتی که خون مسیح ما را جاودانه با «آب پاک» شسته و پاک می‌سازد.

«پس ای برادران، از آنجا که به خون عیسی می‌توانیم آزادانه به مکان اقدس داخل شویم، یعنی از راهی تازه و زنده که از میان آن پرده که بدن اوست، بر ما گشوده شده است، و از آنجا که کاهنی بزرگ بر خانه‌ی خدا داریم، بیایید با اخلاص قلبی و اطمینان کامل ایمان به حضور خدا نزدیک شویم، در حالی که دل‌هایمان از هر احساس تقصیر زدوده و بدن‌هایمان با آب پاک شسته شده است.» (عبرانیان ۱۰:۱۹-۲۲)

نویسنده خاطر نشان می‌شود که ما بایستی بدن‌هایمان را با «آب پاک» بشویم. آبی که در داخل خمره‌های سنگی بود قادر به پاک کردن ناپاکی‌های فیزیکی بود، در حالی که آب پاک‌کننده‌ی حقیقی (آب پاک)، برای تقدیس روحانی در نظر گرفته شده بود. شرابی که در درون خمره‌های سنگی بود، همان «آب پاک» بود، یعنی خون گرانمای

مسیح، که عیسی آن را به این دنیای مست و گناهکار تقدیم نمود.
مرقس در انجیل خود چنین می‌نویسد:

«فریسیان و نیز تمامی یهودیان، به سنت مشایخ خود پایبندند و تا دست‌های
خود را طبق آداب تطهیر نشویند، خوراک نمی‌خورند.» (مرقس ۷:۳)

امروز نیز اگر ما توسط خون گرانبهای مسیح تقدیس نگردیم (شسته نشویم)،
نمی‌توانیم بهره‌ای از سفره‌ی سماوی داشته باشیم. هر اندازه نیز که خود را مقدس و
بی‌عیب بیانگاریم، هنوز همواره به شسته شدن توسط «آب پاک» نیاز داریم...

«...اینان همان کسانی‌اند که از عذاب عظیم برگزشته‌اند و ردهای خود را در خون
بره شسته‌اند و سفید کرده‌اند.» (مکاشفه ۷:۱۴)

تنها و تنها توسط خون پربهای بره که برای من و تو ریخته شده است، می‌توانیم
از گناهانمان پاک شویم...

در جمع‌بندی این فصل، مایل‌ام بار دیگر این نکته را تکرار کنم که تنها مورد
استفاده‌ی خمره‌های سنگی، نگهداری «آب پاک» بود، و آنها به‌هیچ وجه برای نگهداری
شراب در نظر گرفته نشده بودند.





این به معناست که آن شراب،
«هوشیارکننده» بوده است. پیشنهادی
آسمانی و نواز جانب خدا به یهودیان
مست.



فصل چهارم



چرا ضرورتاً شراب تازه و نه شراب کهنه؟

حال، بپردازم به دو پرسشی که مورد توجه ما هستند: چرا عیسی از مشک‌های شراب، که به‌طور خاص برای نگهداری شراب در نظر گرفته شده بودند، استفاده نکرد، و به جای آنها از خمره‌های سنگی، که برای نگهداری آب طهارت به‌کار می‌رفت، استفاده کرد؟ چرا عیسی قطرات شراب کهنه‌ای را که در درون مشک‌ها بود، تکثیر نکرده و آنها را زیاد نکرد، بلکه تصمیم گرفت شرابی تازه خلق نماید؟ چرا عیسی از مشک‌های شراب استفاده نکرد؟ آیا اشکالی در مشک‌ها وجود داشت؟ شاید آنها کهنه بودند و قادر به تحمل فشار آب نبودند.

با رجوع مجدد به داستان، متوجه می‌شویم که تمام شراب مصرف شده در جشن، در آن مشک‌ها ریخته شده بود؛ و اگر آن مشک‌ها تا آن لحظه از جشن، فشار شراب را تاب آورده بودند، قطعاً توان تحمل فشار آب را نیز داشتند. و در کل، اگر باز گردیم به قرن اول میلادی و با بررسی کشفیات باستان‌شناسی متوجه خواهیم شد که در آن روزگار، شراب را یا در خمره‌های بزرگ سفالین که در زمین مدفون بودند نگهداری می‌کردند و یا در مشک‌ها، و یا اگر شراب از روم وارد شده بود، آن را در آمفوراها^۱ بیست لیتری رومی می‌ریختند. عیسی می‌توانست به‌راحتی از هر یک از این گزینه‌ها برای صورت دادن آن معجزه استفاده کند.

۱. خمره سفالی بزرگی است که دارای دو دسته می‌باشد. در یونان باستان از این کوزه برای نگهداری شراب، روغن، غلات و نظایر آن استفاده می‌شد. سطح بیرونی این نوع کوزه را با الگوهای هندسی و شکل‌های متنوع می‌آراستند.
مترجم

با این وصف، چه مانعی برای بهره گرفتن از مشکها (یا خمره‌های سفالین) وجود داشت؛ چرا عیسی از آنها استفاده ننمود؟ به عقیده‌ی من، تنها مشکل مشکها، محتوای آنها بود. در هر یک از آنها دست‌کم چند قطره شراب کهنه وجود داشت، شرابی که از ابتدای جشن عروسی مورد استفاده قرار گرفته بود، و همه از آن مست شده بودند. همچنین، با استناد به گفته‌ی رئیس مجلس، آن شراب، شرابی ناب و گرانبها نبود. اما، چه ایرادی در آن مقدار اندک شراب کهنه وجود داشت که حتی عیسی را وارد به تعویض کردن ظروف نمود؟ مگر شراب کهنه چه اشکالی داشت؟

چرا عیسی از قطرات باقی‌مانده از شراب کهنه استفاده نکرد؟

پاسخ: قطرات باقی‌مانده در مشک، ته‌مانده‌ی آن شرابی بود که شرکت‌کنندگان در جشن عروسی با نوشیدنش مست شده بودند. خداوند نمی‌توانست چیزی را تکثیر نماید که احتمالش وجود داشت در پی تکثیر یافتن، منشاء لعنت (مردم بیش‌تر مست می‌شدند) شود و نه برکت؛ برخلاف «معجزات تکثیری» ای که با هم بررسی کردیم (نان، ماهی، روغن، آرد). مسیح به این جهان آمد، تا این جهان را از مستی درآورده و هوشیار سازد، و به واسطه‌ی قربانی خود، ما را بی‌عیب در حضور پدر حاضر سازد، و نه این که ما را بیش‌تر در بدمستی و گناه غرق کند. به همین دلیل، عیسی این بار بر خلاف «معجزات تکثیری» قبلی، قطرات شراب را تکثیر نخبشید، بلکه او شرابی تازه در ظروفی پاک مهیا نمود، شرابی که بسیار متفاوت از شراب کهنه بود و حتی قطراتش ناسازگار با قطرات شراب کهنه بود.

با مشاهده و تأمل از جنبه‌ی روحانی به این داستان و مطابقت دادن مفاهیم مذکور در آن، متوجه می‌شویم که آن دو نوع شراب، نمادی از عهد عتیق و جدید هستند. شراب کهنه قابلیت مصرفش را از دست داده بود و مردم از آن مست شده بودند، همان‌گونه که از قوانین شریعت مست شده بودند؛ قوانینی که یهودیان با عاجز ماندن از اطاعت کردن از آنها، روز به روز بیش‌تر در ورطه‌ی خود-مقصربینی و گناه غوطه‌ور می‌شدند. اما، شراب تازه، پیشنهاد جدیدی برای دنیای مست بود. به‌جاست که در این قسمت سخنان عیسی را به‌یاد آوریم:

«نیز شراب نو را در مشک‌های کهنه نمی‌ریزند، زیرا مشک‌ها پاره می‌شوند و شراب می‌ریزد و مشک‌ها از بین می‌روند. شراب نو را در مشک‌های نو می‌ریزند تا هر دو محفوظ بماند.» (متی ۹:۱۷)

شراب نو، خون ریخته شده‌ی عیسی بهر نجات من و توست.

عیسی ابتدا به آن خمره‌های سنگی نظر انداخت، و سپس به یهودیان و گفت: «من "آب پاک" جدید به شما می‌دهم و آن «شرابی نو»ست، شرابی که نه فقط از آن مست نخواهید شد، بلکه با نوشیدنش، هوشیاری از دست‌رفته‌ی خود را که ناشی از مستی و زندگی گناه‌آلودتان است، باز خواهید یافت؛ همانند اتفاقی که برای رئیس آن مجلس افتاد. هنگامی که رئیس مجلس در وضعیت مستی، شرابی که خدمتکاران به او دادند را چشید، بلافاصله هوشیاری خود را بازیافت.

«رئیس مجلس آب را که شراب شده بود چشید. او نمی‌دانست آن را از کجا آورده‌اند، هرچند خدمتکارانی که آب را کشیده بودند، می‌دانستند. پس رئیس مجلس داماد را فرا خواند و به او گفت: "همه نخست با شراب ناب پذیرایی می‌کنند و چون میهمانان مست شدند، شراب ارزان‌تر را می‌آورند؛ اما تو شراب ناب را تا این دم نگاه داشته‌ای."» (یوحنا ۹:۲-۱۰)

باید کمی هم در مورد شخصیت «رئیس مجلس» تأمل نماییم. «رئیس مجلس» صرفاً فردی مزدبگیر نبود، که طبق باور بسیاری، وظیفه‌اش فقط رسیدگی به امور مربوط به خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های جشن عروسی بود (او حتی از تمام شدن شراب بی‌خبر بود). او یک مهمان ویژه بود، کسی که گرداندن آن جشن به وی محول شده بود. او از چنان احترامی در نزد همه برخوردار بود که اجازه داشت حتی برای گفتن مطلبی به داماد - که قهرمان اصلی جشن بود - او را نزد خود فراخواند و نه این که خود نزد داماد برود. هر بار که او پیشنهاد می‌کرد که همه به سلامتی فرد خاصی شراب بنوشند، خود نیز می‌نوشید تا مبادا سبب رنجش آن فرد شود و به احتمال بسیار زیاد، او خود نیز همانند سایرین مست بود. «رئیس مجلس» تصدیق کرد که فرد مست قادر به تشخیص شراب ناب از شراب ارزان قیمت نیست. آنگاه که او در حالت مستی، شرابی را که عیسی مهیا نموده بود، چشید، هوشیاری خود را بازیافته و توانست تشخیص دهد که شرابی اکنون در حال نوشیدن است بسیار بهتر است و هیچ شباهتی با شرابی که تا آن لحظه نوشیده بود، ندارد. این به معناست که آن شراب، «هوشیارکننده» بوده است. پیشنهادی آسمانی و نو از جانب خدا به یهودیان مست.





آن شراب همانند «مَنّای آسمانی» از منشاء
و فرمولِ ترکیبیِ آسمانی برخوردار بود.



فصل پنجم



شراب نو

«شراب نو» از چه مفهومی برخوردار است؟
حال، سعی کنیم توصیف دقیق‌تری از «شراب نو» به دست دهیم و ببینیم منظور از این شراب چه بود.

در کتاب مقدس وقتی سخن از شراب به میان آمده است، در اغلب موارد، واژه‌ی «اوینوس» به عنوان معادل یونانی آن به کار رفته است. یونانیان از این واژه، هم برای شراب حاوی الکل استفاده می‌کردند و هم برای آب انگور.

در این مقطع، می‌رسیم به اصلی‌ترین پرسش ما در این داستان و آن از این قرار است: شرابی که عیسی مهیا نمود، اشاره به کدامیک از معانی واژه‌ی «اوینوس» داشت؟ الف) آیا آن شرابی معمولی و مست‌کننده بود، و صرفاً کمی ناب‌تر و با کیفیت‌تر از شراب قبلی؟

ب) آیا آن آب انگور بود؟

الف. آیا آن شرابی معمولی بود؟

وقتی ایماندار جوانی بودم، همانند بسیاری بر این باور بودم که «آری»، آن شرابی معمولی بود و با استناد به این تفسیر، اغلب از مشروبات الکلی استفاده می‌کردم. برای توجیه رفتار خود، از سایر قسمت‌های کتاب مقدس نیز نقل‌قول‌هایی می‌کردم. با گذشت زمان، به تدریج نگاهم به کلام خداوند دچار تغییر گردید، و شروع کردم آن را آن‌گونه فهمیدن که خداوند می‌خواست من آن را بفهمم و نه به‌گونه‌ای که تأمین‌کننده‌ی منفعتم

باشد؛ و همین امر مرا به این سمت سوق داد که در حضور خداوند بایستم و تصمیم بگیرم که دیگر هرگز از مشروبات الکلی استفاده نکنم.

حال، بازگردیم به پرسشمان: آیا آن شرابی معمولی بود؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، کافی است به عیسی نگاه کنیم. آیا این امکان وجود داشت که خداوند ما به این عده از یهودیان از پیش مست، تقریباً ۳۰۰ لیتر شراب می‌داد، و آنان آن را نوشیده و بیش‌تر مست می‌شدند؟ مسلم است که خیر.

خداوند ما به این جهان آمد تا ما را هوشیار سازد، و هدف او از آمدن به این جهان این نبود که با همان نخستین معجزه‌ی خود بشر را بیش از پیش مست کند.

«بدین‌سان عیسی نخستین آیت خود را در قانای جلیل به ظهور آورد و جلال خویش را آشکار ساخت و شاگردانش به او ایمان آوردند.» (یوحنا ۱:۲)

اصلی‌ترین هدف این معجزه، آشکار ساختن جلالش بود. معتقد نیستم که کتاب مقدس واقعیت مهیا کردن شرابی که منجر به مستی می‌شد را با کلمات «جلال خویش را آشکار ساخت» توصیف می‌کرد.

و مورد آخر این‌که، اگر مسئله صرفاً خلق کردن شرابی معمولی بود، خداوند می‌توانست قطرات شراب کهنه را افزایش دهد، و سپس فقط کافی بود کیفیت شراب کهنه را تغییر دهد و دیگر نیاز نبود که خدمتکاران را به زحمت اندازد. این به آن معناست که، تمام این جزییات ما را به سوی این نتیجه‌گیری هدایت می‌کند که آن شراب، شرابی معمولی نبود. آن شرابی کاملاً نو بود، که نه تنها با قطرات شراب کهنه بلکه حتی با ظروف کهنه نیز ناسازگار بود.

(ب) آیا آب انگور بود؟

طرفداران این موضع، اساساً عضو آن دسته از کلیساهایی هستند که مخالف مصرف مشروبات الکلی می‌باشند (در ضمن، من نیز عضو شاخه‌ای از این دست هستم).

و اما در مورد دیدگاه شخصی من در خصوص این موضوع، همین جا می‌خواهم تمام آن کسانی که بر این نظراند که آن نوشیدنی آب انگور بوده است مرا ببخشند، چون من نمی‌توانم با این گروه هم‌نظر باشم.

واقعیت امر آن است که آنان از عیسی شراب خواستند و نه آب انگور. نمی‌توان آنچه عیسی انجام داد را معجزه نامید، اگر او می‌گفت: «ببینید عزیزان، شما الان به اندازه‌ی کافی مست هستید، از این رو، من فقط می‌توانم برای‌تان آب انگور مهیا کنم و

از فراهم کردن شراب معذورم.» برای برطرف کردن نیاز آنان، الزاماً شراب لازم بود. اگر روزی فردی از شما تقاضای دعا بکند، و بگوید: «خواهش می‌کنم، برایم دعا کن، من در زندگی‌ام به معجزه نیاز دارم؛ برای بازپرداخت بدهی‌هایم، باید بتوانم خانهم را با قیمت بالا به فروش برسانم.» اگر شما دعا کنید و پس از چند روز، همسایه‌ی آن فرد موفق به فروش موتورسیکلتش شود، فکر نمی‌کنم آن فرد، دعای شما را معجزه‌ای برای خود تلقی کند و مشکلتش نیز همچنان بدون پاسخ باقی خواهد ماند.

آن معجزه دیگر معجزه نبود اگر آنان به عیسی می‌گفتند: «چلوکباب تمام شده، ما به گوشت مناسب برای کباب نیاز داریم.» و در پاسخ عیسی به ایشان می‌گفت: «من به شما کمک می‌کنم تا آبروی‌تان نرود». بعد او دعا می‌کرد و دو سطل سیب زمینی پاک شده آن‌جا ظاهر می‌شد. چلوکباب و سیب‌زمینی دو غذای کاملاً متفاوت هستند و موارد مصرف مختلفی نیز دارند (و این در مورد شراب و آب‌انگور نیز صادق است). معضل میزبانان جشن عروسی تمام شدن شراب بود، و مریم از عیسی درخواست شراب نمود و نه آب‌انگور.

و در آخر، هنگامی که رئیس مجلس آبی را که به شراب تبدیل شده بود، چشید، چنین نگفت: «مهمانان گرمی، علی‌رغم این که شراب تمام شده است، خدمتکاران با آب‌انگور بسیار عالی از شما پذیرایی خواهند کرد، حال بیایید با هم آب میوه بنوشیم.» قانع کردن مهمانان مست مجلس با آب‌انگور محال بود، آنان شراب واقعی می‌خواستند. رئیس مجلس پس از امتحان کردن شرابی که عیسی مهیا نموده بود، سخنانی بیان کرد که در کل، دیدگاهی را که به آب‌انگور بودن آن نوشیدنی تأکید دارد، نفی می‌کند.

«رئیس مجلس آب را که شراب شده بود چشید. او نمی‌دانست آن را از کجا آورده‌اند، هرچند خدمتکارانی که آب را کشیده بودند، می‌دانستند. پس رئیس مجلس داماد را فرا خواند و به او گفت: «همه نخست با شراب ناب پذیرایی می‌کنند و چون میهمانان مست شدند، شراب ارزان‌تر را می‌آورند؛ اما تو شراب ناب را تا این دم نگاه داشته‌ای.» (یوحنا ۲: ۹-۱۰)

منظور از «شراب ناب» چه بود؟

«شراب ناب» به این واقعیت اشاره دارد که رئیس مجلس شرابی را که عیسی مهیا نموده بود، با شرابی که مهمانان تا آن لحظه نوشیده بودند مقایسه کرده و آن را شرابی بهتر ارزیابی کرده است.

این تلقی و دیدگاه که رئیس مجلس به آن حد مست بوده که قادر به پی بردن به تفاوت بین شراب و آب‌انگور نبوده است، نامعقول و غیرقابل دفاع است. او با بیانی

ساده توضیح می‌دهد که بنا بر تجربه‌اش، عموماً در ابتدای ضیافت‌ها از مهمانان با شراب ناب و با کیفیت پذیرایی می‌شود، و پس از آنکه همه مست شدند و قادر به تشخیص شراب خوب از بد نبودند، شراب بد و کم‌کیفیت به آنان پیشنهاد داده می‌شود. اما، در این جشن، او شاهد روندی کاملاً برعکس بود؛ در انتهای جشن، شرابی به او پیشنهاد می‌شود که از شراب قبلی بهتر است، و او این موضوع را با داماد مطرح می‌کند. به عنوان جمع‌بندی، چنین می‌توان گفت که در این معجزه، سخن از شراب واقعی در میان است، و برای برطرف کردن مشکل به‌وجود آمده، میزبان نه به آب‌انگور، و نه به شراب نارس، بلکه دقیقاً به شراب احتیاج داشت.

حال، نکته‌ای که می‌بایست آن را روشن سازیم این است که اگر آن نوشیدنی، نه آب‌انگور بوده و نه شراب معمولی، پس این «شراب نو» دقیقاً چه چیزی بوده است؟

شراب نو

با دقت کردن در متن داستان و نگاهی دقیق به گفته‌های رئیس مجلس، می‌توان گفت که شراب نو از لحاظ ویژگی‌های طعمی، شرابی بسیار خوش‌طعم بوده است. و البته سخن گفتن از ترکیبات آن، امری کاملاً بیهوده است، زیرا فقط عیسی از ترکیبات شیمیایی آن شراب آگاه بود. تنها به یک نکته می‌توانم اشاره کنم و آن این است که آن شراب، هوشیارکننده بود و نه مست‌کننده. رئیس مجلس در طول جشن از آن شراب که نه نوشیده بود و به استناد گفته‌هایش، در آن لحظه، ضیافت به مرحله‌ای رسیده بود که همه مست بوده و قادر به تشخیص شراب خوب از بد نبودند. با این حال، او به محض چشیدن شراب نو، هوشیار شده و توانست تفاوت شراب نو را با شراب پیشین تشخیص دهد، و او شراب نو را نیز ستود. بنابراین، آن شراب، شرابی هوشیارکننده بوده است.

نظر شخصی من این است که آن شراب نمونه‌ی اولیه‌ی شرابی بود که عیسی وعده‌اش را داده بود. همان شراب آسمانی‌ای که خداوند وعده فرموده است که در پادشاهی آسمانی به‌وسیله‌ی آن از ما پذیرایی خواهد نمود.

«به شما می‌گویم که از این محصول مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در پادشاهی پدر خود، تازه بنوشم.» (متی ۲۹:۲۶)

فکر نمی‌کنم کسی قادر به اظهار نظر در مورد ترکیبات آن شرابی که طبق وعده‌ی عیسی، در پادشاهی آسمانی انتظارمان را می‌کشد، باشد. همچنین، نمی‌توانیم در مورد ترکیبات شرابی که در پی معجزه‌ی عیسی، حاصل تبدیل آب به شراب بود، نظری دهیم؛

از آن رو که هیچ یک از ما، در آن روز در عروسی قانا حضور نداشته است. در عهد عتیق داستانی ذکر شده است که در جهت روشن شدن برخی زوایای تاریک این موضوع، تا حدی ما را یاری می‌دهد.

«شامگاهان، بلدرچین‌ها برآمدند و اردوگاه را پوشانیدند؛ و بامدادان لایه‌ای از شبنم، گرداگرد اردوگاه نشست. و چون شبنم برخاست، اینک بر روی صحرا پولک‌های ریز شبیه ژاله‌ی یخ‌زده بر زمین پدیدار شد. بنی‌اسرائیل با دیدن آن به یکدیگر گفتند: «این چیست؟» زیرا نمی‌دانستند آن چیست. موسی بدیشان گفت: «این نانی است که خداوند به شما داده تا بخورید.» (خروج ۱۶: ۱۳-۱۵)

یهودیان از خداوند تقاضای خوراکی کردند، و او دو نوع خوراکی برایشان فرستاد. قابل تأمل است که اولین خوراکی - بلدرچین‌ها - پرندگانی آشنا برای یهودیان بودند، اما دومین خوراکی، «مَنَّا»، برایشان ناآشنا بود. «مَنَّا» نانی با منشاء آسمانی بود و آساف مزمورنویس در وصف آن، از عبارات «غله‌ی آسمانی» و «نان فرشتگان» استفاده می‌کند. (مزمو ۷۸: ۲۳-۲۵)

ببینیم موسی «مَنَّا» را چگونه توصیف می‌کند.

«مَنَّا همچون تخم گشنیز بود با منظری مانند مروارید. قوم می‌گشتند و آن را جمع می‌کردند؛ سپس با آسیاب می‌ساییدند و یا در هاوَن می‌کوبیدند و آن را در دیگی پخته، از آن گرده‌ها می‌ساختند. طعم آن همچون طعم نان روغنی بود. شبانگاه، هنگامی که شبنم بر اردوگاه می‌نشست، مَنَّا نیز با آن فرو می‌ریخت.» (اعداد ۷: ۱۱-۹)

موسی علی‌رغم این که هر روز از «مَنَّا» خورده است، با این حال از ارائه‌ی توصیفی واضح و گویا از آن عاجز می‌ماند (زیرا آن از منشاء آسمانی برخوردار بود). وی صرفاً از آن به عنوان «نان آسمانی» نام می‌برد و برای این که بتواند تصویر و توصیفی از «مَنَّا» به ما منتقل نماید، تشبیهاتی تقریبی ذکر می‌کند.

بدین ترتیب، فکر می‌کنم اگر موسی حتی با این وجود که هر روز «مَنَّا» خورده است، قادر به توصیف آن نیست، پس ما نایستی در خصوص ترکیبات شراب نو (که حتی آن را نچشیده‌ایم) اظهار نظر کنیم.

ساده‌تر بگویم.

آن شراب همانند «مَنَّا‌ی آسمانی» از منشاء و فرمول ترکیبی آسمانی برخوردار

بود.

می‌خواهم مورد تأمل برانگیز دیگری را خاطرنشان سازم. «متاً» و «شراب نو» تنها چیزهایی هستند که بشر هم بر روی زمین آنها را چشیده است، و هم عیسی وعده داده است که در آسمان با آنها از ما پذیرایی خواهد نمود (متی ۲۶:۲۷-۲۹ و مکاشفه ۲:۱۷)...
به نظر من، عیسی در این صحنه به بیان ساده چنین گفت:
«از من شراب می‌خواهید؟ به شما شراب خواهم داد، اما آن به جای مست کردن، شما را هوشیار خواهد کرد و از همان جایی منشاء خواهد گرفت که پدران شما «متاً» را از آن دریافت کردند...»





آنجا که ایمان وجود دارد، معجزه هرگز
دیر نخواهد کرد.



فصل ششم



تا انتها

بیابید با هم قسمت مهم دیگری از این داستان را مورد بررسی قرار دهیم، قسمتی که به یکی از دلایل رخ دادن معجزه می‌پردازد.

با تصور کردن خود در محل برپایی ضیافت عروسی، موارد زیر را خواهیم دید:

(الف) چند خمره‌ی آب خالی برای طهارت،

(ب) تعدادی خدمتکار خسته که تمام طول روز در حال دوندگی بوده‌اند،

(ج) تنی چند از شاگردان با چشمانی متعجب و متحیر، که هنوز به قدرت مطلق عیسی ایمان نیاورده بودند (نوشته شده است که تنها پس از این معجزه شاگردان ایمان آوردند، [یوحنا ۲: ۱۱])

(د) مادری که کاملاً بر پسر خود اعتماد و اطمینان دارد،

(ه) جوانی حدوداً سی ساله که از شهر مجاور به این جشن دعوت شده است و برای آنان، آن عیسی مشهوری که ما می‌شناسیم نیست و هنوز کیستی حقیقی خود را برملا نکرده است (کلام خدا می‌گوید که این اولین معجزه‌ی عیسی محسوب می‌شود-یوحنا ۲: ۱۱)

و در چنین شرایط پرتنش، از زبان همه فقط یک کلمه شنیده می‌شود: «شراب»

چرا آب به شراب تبدیل شد؟

خدمتکاران خسته نزد عیسی آمده و برای بیرون آمدن از آن شرایط از او مشورت خواستند، و پاسخ عیسی این بود که خمره‌ها را از آب پُر کنید. وقت مناسبی برای شوخی نبود؛ یهودیان مست، شراب می‌خواستند؛ داماد در شرف رسوایی بود، و عیسی می‌گوید، خمره‌ها را از آب پُر کنید. می‌خواهم به واقعیت قابل توجهی اشاره کنم.

اگر خدمتکاران گران‌بهاترین و زلال‌ترین آب جهان را در خمره‌ها می‌ریختند، و در کنار خمره‌ها می‌نشستند و صد سال انتظار می‌کشیدند، هرگز آن آب به شراب تبدیل نمی‌گردید. بدون مداخله‌ی عیسی، آب به هیچ‌وجه به شراب تبدیل نمی‌شد. تا آن لحظه‌ای که عیسی نمی‌گفت: «برگیرید... ببرید»، تبدیل آب به شراب امکان‌پذیر نبود.

دلیل مداخله‌ی عیسی چه بود؟
پاسخ این پرسش را در این آیه می‌یابیم.

«عیسی خدمتکاران را گفت: «این خمره‌ها را از آب پر کنید.» پس آنها را لبالب پُر کردند.» (یوحنا ۲:۷)

خدمتکاران در پاسخ به توصیه‌ی عیسی، قدمی برداشتند که یکی از ریشه‌ها و شالوده‌های زندگی مسیحی ما به شما می‌رود.

«... پس آنها را لبالب پُر کردند.» (یوحنا ۲:۷)

آنان سخن عیسی را پذیرفته و به آن اعتماد کردند، و خمره‌ها را نه یک لیوان، یا یک سطل، بلکه لبالب (۳۰۰-۴۰۰ لیتر) پُر کردند.
آنان یک یا دو لیوان آب در خمره‌ها نریختند و به عیسی نگفتند: «خب ای عیسی، امتحان بکن، ببینیم چه می‌توانی انجام دهی، اگر موفق شوی، آب بیش‌تری خواهیم آورد.» نوشته شده است: «لبالب پُر کردند». این به آن معناست که خدمتکاران آنقدر آب آوردند که همه‌ی خمره‌ها، لبالب از آب پُر شد.
عملکرد خدمتکاران را با دو واژه می‌توان توصیف نمود.

الف) اطاعت
«هر چه به شما گوید، بکنید» (یوحنا ۲:۵)

ب) ایمان
«عیسی خدمتکاران را گفت: «این خمره‌ها را از آب پر کنید.» پس آنها را لبالب پُر کردند.» (یوحنا ۲:۷)

آنان صرفاً محض آزمایش دو یا سه لیوان آب نیاوردند، بلکه طبق درخواست عیسی، ۳۰۰-۴۰۰ لیتر آب آوردند. خدمتکاران به عیسی اعتماد کردند و علی‌رغم خستگی‌شان، قدم بزرگ ایمان برداشتند و تمام خمره‌ها را لبالب از آب پُر کردند.

عیسی ایمان ایشان را دیده و مداخله نمود.

این داستان بسیار شبیه داستان مذکور در فصل پنجم انجیل لوقا است.

«چون سخنانش به پایان رسید، به شمعون گفت: «قایق را به جایی عمیق ببر، و تورها را برای صید ماهی در آب افکنید. شمعون پاسخ داد: «استاد، همه‌ی شب را سخت تلاش کردیم و چیزی نگرفتیم. امّا چون تو می‌گویی، تورها را در آب خواهیم افکند.» وقتی چنین کردند، آنقدر ماهی گرفتند که چیزی نمانده بود تورهایشان پاره شود» (لوقا ۵: ۴-۶)

پطرس آن ماهیگیر مجرب، تمام شب تلاش کرده و از پا در آمده بود و موفق به صید حتی یک ماهی نگشته بود. او خسته و ناامید همراه با دوستانش در ساحل مشغول شستن تورها بود. نجاری (عیسی) که هیچ سررشته‌ای از ماهیگیری نداشت به آنان نزدیک شده و می‌گوید: «با من بیا تا ماهیگیری را به تو یاد بدهم.» پطرس چنین نگفت: «ببین عیسی جان، درست است که تو خوب موعظه می‌کنی، و من کلام تو را خیلی دوست دارم، و شاید تو یک نجار خوبی باشی، اما ماهیگیری فوت و فن خودش را دارد.»

می‌دانید پاسخ پطرس چه بود: «گرچه من خوب می‌دانم که بهترین وقت ماهیگیری شب است و نه در گرمای ظهر، و نه از جای عمیقی که تو از ما می‌طلبی، اما با این همه، چون تو می‌گویی من این کار را خواهم کرد.» (ر. ک. لوقا ۵: ۵)

«چون تو می‌گویی» همان کلماتی هستند که تلاش شکست خورده‌ی پطرس را به صیدی فوق‌العاده موفقیت‌آمیز تبدیل کرد. (ر. ک. لوقا ۵: ۴-۷)

«آنها را لبالب پر کردند» همان دلیل و علتی است که منجر شد عیسی برای حل مشکل لاینحل آنان، دست به مداخله بزند.

قهرمانان این دو داستان، به سخنان عیسی ایمان آورده و از آن اطاعت کردند. («خمره‌ها را از آب پُر کنید» - یوحنا ۴: ۷؛ «قایق را به جایی عمیق ببر» - لوقا ۵: ۴) عیسی در آنان ایمان را دید و سپس وارد عمل شد. این همان کلید معجزه است. ایمان خدمتکاران، به رخ دادن معجزه کمک کرد. آنجا که ایمان وجود دارد، معجزه هرگز دیر نخواهد کرد.

آنجا که ایمان وجود دارد، وقوع معجزه اجتناب‌ناپذیر است.
با بهره گرفتن از این فرصت، قصد دارم فرمول معجزه را از دیدگاه شخصی‌ام با شما در میان بگذارم.

مشکلی بزرگ ایمانی کوچک (به اندازه‌ی دانه‌ی خردل) = معجزه‌ای بزرگ
ایمان، اطمینان و اعتماد به خدا و عدم وجود شک و تردید است. بزرگی ایمان ما با پیمان‌های اعتماد اندازه‌گیری می‌شود. هر اندازه که به خداوند اعتماد می‌کنیم، به همان اندازه نیز به او ایمان داریم.

«سپس به ایشان گفت: «حال اندکی از آن برگزید و نزد رئیس مجلس ببرید.»
پس بردند.» (یوحنا ۲:۸)

آب تا زمانی که عیسی مداخله ننماید، به شراب تبدیل نخواهد شد. آب تا آن لحظه که عیسی نگوید: «برگزید و ببرید» تبدیل به شراب نخواهد شد. و برای این که عیسی مداخله نماید، ما به ایمان و اطاعت نیاز داریم. با آگاهی از این واقعیت که تمام برکات ما در او و از او می‌باشد، می‌بایست به وعده‌های او ایمان داشته و مطیع کلامش باشیم. این فصل را با سخنان مزمور نویس به پایان می‌رسانم.

«سرایندگان و رقص‌کنندگان به یکسان می‌سرایند که: "همه‌ی چشمه‌های من در توست"». (مزمور ۷:۸۷)





برای رساندن شراب از داخل خمره‌ها به
روی میز مهمانان به خدمتکاران - عملیه‌ها -
نیاز وجود دارد.



فصل هفتم



تا این دم نگاه داشته‌ای

«و به او گفت: «همه نخست با شراب ناب پذیرایی می‌کنند و چون میهمانان مست شدند، شراب ارزان‌تر را می‌آورند؛ اما تو شراب ناب را تا این دم نگاه داشته‌ای.»» (یوحنا ۲: ۱۰)

رئیس مجلس با چشیدن شراب نو، به‌طور هم‌زمان هم تعجب خود را ابراز نمود و هم رضایت خود را.

مایلام از بین عبارات تحسین‌آمیز او، به‌طور خاص به عبارت «تا این دم» توجه کنیم. با گفتن عبارت «تا این دم»، در حقیقت او به این واقعیت اشاره داشت که تا آن لحظه، بخش عمده‌ای از زمان ضیافت سپری شده بود. اگر سخنان رئیس مجلس را رمزگشایی کنیم، جمله‌اش تقریباً چنین شکلی خواهد داشت: «گوش کن، چطور توانستی تا این موقع از جشن جلو خودت را بگیری، و چنین سورپریز فوق‌العاده‌ای را در آخر جشن رو بکنی.» زیرا، پذیرایی کردن با شراب ناب حقیقتاً عمل غافلگیرکننده و در عین حال بسیار خوش‌آیندی بود. این امر به این شباهت دارد که در طول ضیافت، روی میز مهمانان فقط نان، پنیر، سبزی و سیب‌زمینی گذاشته باشند و در انتهای جشن، هنگامی که همه‌ی مهمانان تقریباً سیر شده‌اند، چلوکیاب سلطانی، جوجه کیاب و ماهی قزل‌آلا روی میزها گذاشته شود. البته گرچه چنین رویکردی از نظر مهمانان بسیار عجیب و غریب تلقی خواهد شد، اما در عین حال بسیار خوش‌آیند و دل‌پذیر نیز خواهد بود. هیچ‌کس تا به آن روز، از مهمانانش که از شراب بد مست شده بودند، با شراب ناب پذیرایی نکرده بود؛ این عمل در نوع خود، یک نوآوری بود.

«...تو شراب ناب را تا این دم نگاه داشته‌ای» (یوحنا ۲:۱۰)

هنگامی که خودمان را با شرکت‌کنندگان در جشن عروسی قانا مقایسه می‌کنیم، به این موضوع پی می‌بریم که امروز، با گذشت دو هزار سال، عیسی «تا این دم» شراب ناب -کلام نجات- را برای این دنیای مست نگاه داشته است. امروز، من و تو در نقش این خدمتکاران هستیم. شاید همانند آن خدمتکاران از دغدغه‌های این دنیا، کار پرتنش، و مشکلات مختلف خسته شده‌ایم، اما، با وجود همه‌ی اینها، می‌بایست در خود قوت یافته تا بتوانیم «شراب نو» (مژده‌ی نجات مهیا شده توسط مسیح) را به «مردم مست» دنیا برسانیم.

«رئیس مجلس آب را که شراب شده بود چشید. او نمی‌دانست آن را از کجا آورده‌اند، هرچند خدمتکارانی که آب را کشیده بودند، می‌دانستند. پس رئیس مجلس داماد را فرا خواند.» (یوحنا ۲:۹)

طبق کلام خدا، رئیس مجلس نمی‌دانست که آن را از کجا آورده‌اند، اما خدمتکاران می‌دانستند که این شراب از کجاست؛ از نزد عیسی. ما هم به خوبی می‌دانیم که شراب حقیقی از کجاست (کلام زنده‌ی مسیح). پس، بیایید به جای مست شدن با شرابی که دنیا تقدیم می‌کند، شراب نو را برداشته و آن را به دنیای مست و بی‌ایمان ببریم، تا آنان خداوند را چشیده و از زندگی در مستی و گناه آزاد شوند و با پذیرش خداوند، مقدس و پاک زندگی کنند.

مایلام در این‌جا سخنان پولس رسول را نقل قول نمایم.

«پس، بسیار مراقب باشید که چگونه رفتار می‌کنید، رفتاری نه چون نادانان بلکه چون دانایان. فرصت‌ها را غنیمت شمارید، زیرا روزهای بدی است. پس نادان نباشید، بلکه دریابید که اراده‌ی خداوند چیست. مست شراب مشوید، که شما را به هرزگی می‌کشاند؛ بلکه از روح پر شوید.» (افسسیان ۵:۱۵-۱۸)

ما می‌بایست هر روز به جای مست شدن از شراب، از روح خدا پر شویم؛ تا آنچه به دنیا پیشنهاد می‌کنیم، آب-حکمت جسمانی و انسانی- نباشد، بلکه «شراب نو»-کلام گران‌بهای مسیح. دنیا به من و شما نیاز دارد تا مژده‌ی نجات را به آن برسانیم. شراب به‌خودی خود از داخل خمره‌های سنگی به روی میز نمی‌رسد. حتی میزبانان جشن عروسی نیز از وجود شراب در خمره‌های آب اطلاعی نداشتند. برای رساندن شراب

از داخل خمره‌ها به روی میز مهمانان به خدمتکاران -عمله‌ها- نیاز وجود دارد. من و شما، عمله‌های عصر حاضر هستیم که باید پیوسته آن «شراب نو» را به دنیا برسانیم. و به عنوان پاداش این خدمت فروتنانه‌ی ما، خداوند خواهد گفت:

«آفرین، ای خادم نیکو و امین! در چیزهای کم امین بودی، پس تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. بیا و در شادی ارباب خود شریک شو.» (متی ۲۵: ۲۱)



سخن آخر



«سپس جام را برگرفت و پس از شکرگزاری آن را به شاگردان داد و گفت: «همه‌ی شما از این بنوشید. این است خون من برای عهد [جدید] که به‌خاطر بسیاری به جهت آمرزش گناهان ریخته می‌شود. به شما می‌گویم که از این محصول مو دیگر نخواهم نوشید تا روزی که آن را با شما در پادشاهی پدر خود، تازه بنوشم.» (متی ۲۶:۲۷-۲۹)

عیسی با بیان این سخنان (دیگر نخواهم نوشید)، در واقع تا آن روزی که در پادشاهی خدا همراه با ما از آن شراب خواهد نوشید، روزه‌ی اختصاصی‌ای را اعلام کرد. و ما نیز به عنوان ایمانداران عهد جدید شایسته است که تصمیم بگیریم که تا آن روز موعودی که همراه با او در پادشاهی آسمان از آن شراب خواهیم نوشید، هرگز شراب ننوشیم.

من سال‌ها پیش این تصمیم را گرفته‌ام، که تا آن روزی که در پادشاهی آسمان با او شراب خواهم نوشید، در این دنیا دیگر شراب ننوشم. از چگونگی و ترکیب شراب آسمانی آگاهی ندارم، اما یک چیز را قطعاً می‌دانم، که از آن شراب-جدا از مقداری که هر فرد مصرف کند- هیچ‌کس مست نخواهد شد، هیچ‌کس رفتاری ناشایسته از خود نشان نخواهد داد، چهره‌ی هیچ‌کس در هنگام نوشیدن آن دچار تغییر نخواهد شد. و از آن‌جا که ما امروز نه آن شرابی را در اختیار داریم که عیسی آن را به‌واسطه‌ی معجزه فراهم نمود، و نه آن شرابی را که وعده داده است در پادشاهی آسمانی‌اش خواهیم نوشید، بنابراین به‌جا و شایسته خواهد بود که از آن شراب مست‌کننده‌ای که دنیا به ما پیشنهاد می‌کند، پرهیز نماییم.

«وقتی به خیمه‌ی ملاقات داخل می‌شوید، شراب و دیگر مُسکِرَاتِ منوشید، نه تو و نه پسرانت با تو، تا نمیرید. این است فریضه‌ای ابدی در همه‌ی نسل‌هایتان.»

شما باید میان مقدس و غیرمقدس، و نجس و طاهر تمایز قائل شوید.» (لاویان ۹:۱۰-۱۰)

خداوند به کاهنان فرمان داده بود که هرگز در هنگام ورود به معبد، یعنی در آن هنگام که در حضور خداوند بودند، تحت تأثیر شراب یا دیگر مسکرات نباشند، تا قادر به تمایز قائل شدن بین مقدس و نامقدس باشند. پولس رسول ما را چنین توصیف می‌کند:

«آیا نمی‌دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟ اگر کسی معبد خدا را خراب کند، خدا او را هلاک خواهد کرد؛ زیرا معبد خدا مقدس است و شما آن معبد هستید.» (اول قرنتیان ۳:۱۶-۱۷)

به نظر من، معبد خدایی (ایماندار مست) که تلوتلوکنان راه می‌رود و کلمات را مبهم و نامفهوم ادا می‌کند، نمی‌تواند الگوی مناسبی در نظر بی‌ایمانان برای سرمشق گرفتن باشد.

صرف نظر از جنبه‌ی روحانی این موضوع، قصد دارم آماره‌ی بین‌المللی در خصوص مصرف الکل در جهان را ذکر کنم.

الکل مسبب:

۹۰ درصد از خشونت و تجاوزهای جنسی،

۸۰ درصد از اولین تجربه‌ی جنسی،

۷۰ درصد بارداری‌های ناخواسته،

۶۰ درصد از شیوع بیماری ایدز،

۵۰ درصد از تصادفات رانندگی،

۵۰ درصد از قتل‌ها،

و ۲۵ درصد از خودکشی‌ها می‌باشد.

فکر نمی‌کنم با دیدن این فهرست، دیگر هیچ ایمانداری از مصرف الکل حمایت کرده و آن را تشویق نماید.

به عنوان سخن آخر، مایل‌ام یک مَثَل قدیمی ارمنی را، البته با کمی جرح و تعدیل، برای شما تعریف کنم.

«در روزگاران کهن، پادشاهی بود. پادشاه فقط یک پسر داشت و پسر پادشاه نوشیدن شراب را بسیار دوست داشت. روزی این فرزند یگانه‌ی پادشاه، در حالی که

از شراب مست شده بود، در محل جمع‌آوری زباله‌ی شهر به زمین افتاده و می‌میرد. پادشاه متأثر از مرگ پسرش، در طی حکمی، تهیه‌ی شراب از انگور را در سراسر پادشاهی‌اش ممنوع اعلام می‌کند. در آن پادشاهی، پیرمرد حکیمی زندگی می‌کرد. پیرمرد با خود فکر می‌کند: «چه کنم که هم قانون ممنوعیت شراب را زیر پا نگذارم و هم شراب داشته باشم؟» پس از تلاش‌های متمادی، پیرمرد موفق به تهیه‌ی شرابی می‌شود که نه تنها فردی که از آن می‌نوشید را مست نمی‌کرد، بلکه برعکس، شخص را قوی‌تر می‌ساخت.

او برای اولین بار، محض آزمایش، کمی از آن شراب را به پسرش می‌دهد. در آن روزها، شیری در نزدیکی مرزهای پادشاهی ظاهر شده بود که به مردم حمله کرده و آنان را می‌کشت. روزی هنگامی که پسر پیرمرد به مزرعه می‌رفت، شیر به او حمله می‌کند. او نیز (از آنجا که هر روز از آن شراب قدرت‌زا می‌نوشید) دهان شیر را پاره کرده و آن را دو نیم می‌کند. خبر این عمل شجاعانه به گوش پادشاه می‌رسد و او آن پسر را نزد خود فرا می‌خواند. هنگامی که آن پسر نزد پادشاه حاضر می‌شود، پادشاه از او می‌پرسد:

چگونه توانستی بدون توسل به هیچ اسلحه‌ای، شیر را بکشی؟
- پسر پاسخ می‌دهد: «پدرم شراب جدیدی تهیه کرده است که با نوشیدنش نه تنها شخص مست نمی‌شود، بلکه قوی‌تر می‌شود. من مدتی است که هر روز از آن شراب می‌نوشم.»

پادشاه تحت تأثیر سخنان پسر قرار می‌گیرد و کاتب را فراخوانده و می‌گوید:
- «بنویس، از امروز فرمان جدیدی صادر می‌کنم، که در سراسر پادشاهی، مردم فقط باید از آن شرابی بنوشند که پس از نوشیدنش قادر به دو نیم کردن شیر شوند، و نه از آن شرابی که با نوشیدنش در میان زباله‌ها بمیرند...»
نش نه تنها شخص مست نمی‌شود، بلکه قوی‌تر می‌شود. من مدتی است که هر روز از آن شراب می‌نوشم.»

پادشاه تحت تأثیر سخنان پسر قرار می‌گیرد و کاتب را فراخوانده و می‌گوید:
- «بنویس، از امروز فرمان جدیدی صادر می‌کنم، که در سراسر پادشاهی، مردم فقط باید از آن شرابی بنوشند که پس از نوشیدنش قادر به دو نیم کردن شیر شوند، و نه از آن شرابی که با نوشیدنش در میان زباله‌ها بمیرند...»



